


LYRICLIT	Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 11 (38), Spring 2021 <a href="https://lyriclit.iaun.ac.ir/">https://lyriclit.iaun.ac.ir/</a> ISSN: 2717-0896  20.1001.1.27170896.1400.11.38.7.9
----------	--

## Investigation of "Patience and Love" in Attar's Mantiq Al-Tayr

**Atefeh Azizi**

Ph.D. candidate, Persian Language and Literature, Neyshabur beach, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

**Batool Fakhr Eslam (Correspond Author)**

Assistant Professor, Persian Language and Literature, Persian Language and Literature, Neyshabur beach, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

### Abstract

Sheikh Farid al-Din Attar Neyshaburi, Mystic poet of the sixth century and the early seventh century selects the language of love, draws human's attention to the eternal beloved and presents love as companion of lover in seven cities of love, because he believes that faith in the divine covenant is always and everywhere necessary for moving to God and the way is for sure through tears and fire and blood. Maybe in this dangerous way, the seeker must benefit from the power of patience with love so that he can overtake the valleys and achieves his purpose and target and in this burning way. The treatment is just tears and patience. According to the importance of patience and love in the poems of Attar we decided to consider terms "patience and love" in Attar's Mantiq al-tayr, with an eye on the great poet's thought. The highest frequency belongs to patience to see the beloved (waiting for linkage) that Tolerating it is one of the most difficult levels of patience for the lover and it can be confirmed that Attar says more about separation.

**Key Words:** Love, patience, tear, seeker, Attar.

**Citation:** Azizi, A., Fakhr Eslam, B. (2021). Investigation of "Patience and Love" in Attar's Mantiq Al-Tayr. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 11 (38), 8-19. Dor: 20.1001.1.27170896.1400.11.38.7.9

#### Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات زبان و ادبیات غنایی  
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد  
سال یازدهم، شماره سی و هشت، بهار ۱۴۰۰، ص. ۸-۱۹

مقاله پژوهشی

## بررسی «صبر و عشق» در منطق الطیر عطار

عاطفه عزیزی<sup>۱</sup>

بتول فخر اسلام<sup>۲</sup>

### چکیده

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری شاعر عارف قرن ششم و اوایل قرن هفتم با برگزیدن زبان عشق، انسان را به معشوق ازلی فرا می‌خواند. او عشق را همراه و همدم عاشق در هفت شهر عشق معرفی می‌کند و وفا به پیمان الهی را همیشه و در همه جا برای سیر به سوی احد واحد لازم و ضروری بر می‌شمرد. عطار نه تنها اشک، آتش و خون را ناگزیر راه پر پیچ و خم سلوک می‌داند، با رویی گشاده به استقبال آن می‌رود. در این راه پر خطر، سالک همراه با عشق باید از نیروی صبر بهره‌بردار تا بتواند وادی‌های صعب را پشت سر بگذارد و به مقصود و هدف خود دست یابد. درمان در این راه پر سوز و گداز، فقط اشک و صبر است. با توجه به اهمیت صبر و عشق در اشعار عطار بر آن شدیم تا با بررسی واژه‌های «صبر و عشق» در منطق الطیر عطار، با گوشه‌ای از اندیشه والای این بزرگ مرد آشنا شویم. نتایج تحقیق بیانگر اینست که صبر در دیدار معشوق (انتظار وصال) بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است و تحمل آن برای عاشق یکی از سخت‌ترین مراتب صبر است، با توجه به بسامد بالای این نوع صبر در منطق الطیر می‌توان گفت که عطار بیشتر از فراق می‌گوید.

کلیدواژه‌ها: عطار، منطق الطیر، سالک، عشق، صبر، اشک.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. bt\_fam12688@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## ۱- مقدمه

عطار در اشعار پرسوز و گداز خود، از فنا شدن در راه معشوق، محو قطره در دریا و گم شدن سایه در خورشید می‌گوید. او در راه عشق از صبورانه گام برداشتن می‌گوید؛ صبری که باید با سکوت همراه باشد و این سکوت در دیدگاه او تواضع را می‌طلبد. او سوز و شور عشق در اشعارش را به آرامی و نرمش ولی با تمام قوای درونی و باطنی به رهروان منتقل و ایشان را به صبر در مقابل تمایل نفس، دعوت می‌کند. «صبر به معنی شکیبایی است و در اصطلاح، ترک شکایت از رنج و آلام است به غیر خدا نه به خدا... صبر، سخت‌ترین چیزی است بر نفس و ناگوارترین امری است بر طبع. بعضی گویند اهل صبر بر سه مقامند: اولش ترک شکایت و این درجه تابان است. دوم رضای به مقدر است و آن درجه زاهدان است و سوم محبت، آن است که مولا با وی کند و این درجه صدیقان است» (گوهرین، ۱۳۸۲: ۹۳). عزالدین کاشانی برای صبر سه نوع قائل است: صبر نفس، قلب و روح و هریک را به صبر بر مکروه و مراد تقسیم می‌کند که بنا بر نوع صبر درجات متفاوت دارند (ر.ک. عزالدین کاشانی، ۱۳۸۸: ۳۸۳-۳۷۹). «صبر را اقسام است، صبری بود به کسب بنده و صبری بود نه به کسب بنده، صبر کسی (هم) بر دو قسم است: صبری بود بدانچه خدای (عز و جل) فرموده است و صبری بود بدانچه نهی کرده است. اما آن صبر که کسی نیست [بنده را] صبر او بود بر مقاسات آنچه بدو رسد از حکم حق (سبحانه و تعالی) که او را در آن رنجی رسد و غیظی نبود» (قشیری، ۱۳۹۱: ۱۹۲) سجادی نیز در تعریف صابر، او را کسی معرفی می‌کند که از آمدن بلا باک ندارد و تعریف و توضیحات عزالدین را ارائه می‌کند. (سجادی، ۱۳۸۳: ۵۲۲-۵۲۱)

عطار عشق را این‌گونه می‌شناساند: «عشق از خود بیرون آمدن و در دریای پر خون غرق شدن است» (عطار، ۱۳۹۰: ۵۱۷). عشق در دل عاشق، برانگیزنده شور و شوق او برای یکی شدن با معشوق است. عاشق مشتاق به غرق شدن در معشوق، ناگزیر به تحمل درد و رنج است، عاشق صبورانه و مشتاقانه با اشک چشم و دلی پر خون به استقبال درد و رنج می‌رود و «صبر» و «بی صبری» در وجود او به هم گره می‌خورد. عشق موجب می‌شود که عاشق از هستی خود رها شود و به معشوق بپیوندد و صبر بازوی توانمند عاشق، در این راه عاشقی است.

## ۱-۱- بیان مسئله

عطار، طریق رشد و تعالی انسان به سوی احد را عشق می‌داند و دستگیر انسان در تلاطم‌های دریای طلب و عشق چیزی جز صبر نمی‌تواند باشد. عشق و صبر دو بال پرواز برای گذر از هفت وادی صعب و دشوار است. صبر و اشک، علاج درد عشق و راهگشا و رهنمای عاشق سرگشته است. معشوق دست نیافتنی است و در فراق و هجران باید صبور بود. افکار متعالی پیر ما که در قالب شعر و حکایت، راهگشای سالکان و عارفان است، اغلب با محتوای عاشقانه با صبر و درد و اشک همراه است. با توجه به اهمیت «صبر و عشق» در اشعار عطار، بر آن شدیم، از درس «عشق و صبر» این بزرگ مرد در منطق الطیر خوشه‌ای برچینیم و نیز با بررسی بسامد این واژگان، میزان اهمیت آن در اشعار این عارف بزرگ را بیان کنیم.

## ۱-۲- پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقالات زیادی در خصوص آثار عطار نوشته شده است که می‌توان از مقاله‌ای با عنوان «نقش صبر در تکامل روحی انسان از دیدگاه عرفا» اثر خوشحال دستجردی (۱۳۸۳) نام برد، در این مقاله مقامات عرفانی و معنوی که در اثر صبر در برابر گرسنگی برای عارف حاصل می‌شود، مورد بحث قرار گرفته است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری» نوشته خوشحال دستجردی (۱۳۸۲) عنوان می‌کند که صبر موجب می‌شود تا نیروها و قدرت‌های الهی نهفته در روح شکوفا شود و انسان از تنگنای هستی محدود خود رها شود و به هستی نامحدود و مطلق پیوندد بخورد.

طهماسبی و همکارانش (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «انواع و مراتب صبر در متون منثور عرفانی» به بررسی دیدگاه عارفان در مورد صبر پرداخته‌اند و از انواع صبر در آثار آنان نام برده‌اند. افراسیاب پور (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «فضیلت صبر در ادبیات تعلیمی» به بررسی صبر در آثار چند تن از شاعران و عرفا اهتمام ورزیده است. پوری‌اور چوبر و نظری چورده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌های عشق در منطق‌الطیر عطار نیشابوری» به کندوکاو عشق در منطق‌الطیر پرداخته‌اند. با وجود این، مقاله‌ای که «صبر و عشق» را در منطق‌الطیر بررسی کند وجود ندارد، بنابراین ما بر آن شدیم تا از دریچه «صبر و عشق» به منطق‌الطیر بپردازیم.

## ۲- بحث اصلی

### ۲-۱- صبر و عشق در دیدگاه عطار

منطق‌الطیر درس عشق می‌دهد و پایه‌های عشق با صبر استوار می‌گردد. کلمه صبر و عشق با تعابیر و عبارات مختلف در منطق‌الطیر دیده می‌شود. عطار ساده و قابل فهم‌ترین زبان را که زبان حکایت و داستان است، برای بیان ناگفته‌ها برگزیده است. عطار واج، واژه و حکایت را در خدمت می‌گیرد و از صبر و عشق در راه پر خطر سلوک می‌گوید.

#### ۱-۱-۲- صبر در دیدار معشوق (انتظار وصال)

در آغاز سیر و سلوک پرندگان، هدهد آشفته دل پر انتظار، بی قرار از سیمرغ می‌گوید و از عظمت و بزرگی او. هدد می‌خواهد آتش عشق را در درون کسانی شعله‌ور کند، که قلب آنها سال‌هاست در نزاع میان عشق مجازی و حقیقی، انتخابی جز عشق سیمرغ ندارد. هدهد با سخنان شورانگیز خود، عشق سیمرغ را در درون آنها بیدار می‌کند و آنان را با خود همراه می‌کند، شور عشق الهی در وجود آنها می‌افتد و معرفت حاصل می‌شود، آتش نیاز شعله‌ور می‌گردد و «بی‌صبری» برای وصال معشوق پا به میدان می‌گذارد. می‌توان گفت صبر در دیدن معشوق، همان دردی است که عطار از آن نام می‌برد، صبری که با اشک شوق، گل عشق را آبیاری می‌کند و طراوت می‌بخشد:

علاج عشق، اشک و صبر باید      گل ارچه تازه باشد، ابر باید      (اسرارنامه: ۱۳۹۲: ۱۱۱)

عطار درد عشق را در کائنات می‌بیند و از این درد مشترک برای نیل به عشق حقیقی مدد می‌گیرد. «شاعر هر قدر بیشتر در بین عامه برای خود هم درد پیدا کند، همان قدر قبولش بیشتر است. شعر در واقع وقتی به غایت خود نائل می‌شود که در نفوس تصرف کند و تأثیر، یعنی عاطفه و خیالی را که در آن هست به دیگران سرایت دهد» (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۲۴).

جمله مرغان شدند آن جایگاه      بی‌قرار از عزت این پادشاه  
شوق او در جان ایشان کار کرد      هریکی بی‌صبری بسیار کرد  
عزم ره کردند و در پیش آمدند      عاشق او دشمن خویش آمدند  
(عطار: ۱۳۸۹: ۲۶۵)

پرندگان آرزوی وصال دارند ولی موانعی نیز بر سر راه وجود دارد، با پاسخ‌های سیمرغ به عذرها، شناخت کامل و کامل‌تر می‌گردد، در اینجا است که «صبر در دیدن معشوق» پا به عرصه می‌گذارد، آن زمان که پرندگان از نسبت خود با سیمرغ سؤال می‌کنند، هدهد نسبت سایه و خورشید و قطره و دریا را بیان می‌کند و اشاره می‌کند که کسی را یارای تاب و مقاومت در برابر رؤیت جمال الهی نیست، عاشق ناگزیر است به صبر مع الله و اینگونه بیان می‌کند:

چون کسی را نیست چشم آن جمال      وز جمالش هست صبر لامحال  
 با جمالش عشق نتوانست باخت      از کمال لطف خود آینه ساخت  
 (همان: ۲۸۱)

## ۲-۱-۲- صبر از معشوق ( صبر از ندیدن معشوق، صبر در تجلی معشوق)

ما تبلور کمال لطف الهی هستیم و آینه‌هایی که حق در آن هویدا است. اگر کسی را یارای تحمل دیدار معشوق بود، او چهره در نقاب نمی‌کشید و خلقی در وادی طلب و قوف پیدا نمی‌کردند و از راه سلوک باز نمی‌ماندند. عطار موضوع تاب و تحمل نداشتن «دیدار حق» و «دوری» از او را با زبان تمثیل در حکایت پادشاه صاحب جمال این‌گونه به تصویر می‌کشد، در این ابیات « صبر از معشوق» و «صبر در تجلی معشوق» به زیبایی دیده می‌شود. «آنچه انسان را هدایت می‌کند، عشق است، عشق توانست. عشق آزادی‌بخش است. پس اراده آدمی را به تحقق نزدیک می‌کند، اراده خواستن است. اوج خواستن عشق است، چون حقیقت انسان همان خواست و اراده است و اراده «ارادت» است، و ارادت عشق است. پس حقیقت انسان عشق است» (مختاری، ۱۳۷۷: ۲۹)

نه کسی را صبر بودی زو دمی      نه کسی را تاب او بودی همی  
 خلق می‌مُردند دائم زین طلب      صبر نه با او و بی او، ای عجب  
 گر کسی را تاب بودی یک زمان      شاه روی خویش بنمودی عیان  
 لیک چون کس تاب دید او نداشت      لذتی جز در شنید او نداشت  
 (عطار: ۱۳۸۹: ۲۸۲)

## ۲-۲- تقابل عشق حقیقی و مجازی و کارکرد صبر

در حکایت شیخ صنعان که پیرنگ (طرح) آن بارها در اشعار عطار تکرار می‌شود، عشق و صبر را در مراحل مختلف دلدادگی شیخ می‌توان دید. مرشد در راه طلب حق است که عشق دختر ترسا نقطه عطفی در زندگی او به وجود می‌آورد. آینه جمال الهی، شیخ را به خود و درخویشتن خویش مشغول می‌کند، شیخ با گذر از آینه و تصویر مجازی، عشق حقیقی را می‌یابد. عشق دختر ترسا چون صبح صادق، نوید بخش طلوع و بازگشت دوباره عشق حقیقی است، عشق دختر ترسا بارانی است که زمین دل شیخ را برای جوانه عشق حقیقی مستعد می‌کند. «یکی از مایه‌ها و مضامین عرفانی که انگیزه به وجود آمدن رمزهایی چند در غزل‌های صوفیانه شده است، مسئله حب الهی و احساس عشق نسبت به معشوق حقیقی یعنی حق یا مظاهر آن، مرد کامل یا پیر و ولی کامل است. عشق الهی که از کوشش صوفیه برای رابطه فردی و شخصی با حق مایه گرفت» (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۸۴).

هم دل از خود هم ز عالم بر گرفت      خاک بر سر کرد و ماتم در گرفت  
 یک دمش نه خواب و نه قرار      می طپید از عشق و می نالید زار  
 (همان: ۲۸۸)

شیخ همه قلب شده، در تپش است. شدت عشق و به نهایت رسیدن آن و «دوری» از معشوق در وجود شیخ باعث از دست دادن عقل و صبر می‌شود و شیخ از خویشتن خویش رها می‌شود و تمام وجود او معشوق می‌گردد. «صبر آهن را را سکاھن

کردن و پشم را در دیده آهن کردن است و این خود کنایه از بردباری و طاقت بسیار آوردن است و از غوره حلوا ساختن است» (صارمی: ۱۳۸۹: ۴۵)

رفت عقل و رفت صبر و رفت یار این چه عشق است این چه درد است این چه کار؟

(همان: ۲۸۹)

و در این بیت با اشاره به سایه معشوق بودن که بیان دیدگاه عطار در مورد نسبت انسان و خداوند است، وابستگی خود را به معشوق از زبان شیخ صنعان این گونه می‌سراید:

آفتابی، از تو دوری چون کنم؟ سایه‌ام بی تو صبوری چون کنم؟

(همان: ۲۹۱)

و دختر باز هم، شیخ اسیر عشق را به صبر دعوت می‌کند، معشوق گران کابین است و عاشق فقیر و بی توشه در راه طلب، عاشق باید آنچه را دارد از دست بدهد و همرنگ معشوق گردد. هم چنان که وجود سایه وابسته به نور است، عاشق نیز با وجود معشوق موجودیت می‌یابد. «یکی از جاودانه‌ترین تجلیات جان آدمی پرستش است که به طور فطری از انسان به صورت عشق تجلی پیدا کرده است و ناخودآگاه او را به سوی معشوق می‌کشاند تا به وصال او برسد و در مقابل او فانی گردد و راهی را که برای این وصال می‌جوید عبارت است و سخنانی را که بر زبان می‌آورد دعاست و عشق، عاشق را تا جایی پیش می‌برد که در دعایش جزء انقطاع از غیر را از معشوق طلب نمی‌کند الهی «هب لی کمال انقطاع الیک» و دوری از او برایش سخت‌ترین عذاب‌ها می‌گردد. «وهبنی صبر علی حرّ نارک فکیف اصبر علی فراقک» و نام معشوق دوا و شفای درد او می‌گردد. «یا من اسمہ دواء و ذکره شفاء» و شبانه روز به ذکر معشوق مشغول می‌گردد و جزء نام او بر زبان نمی‌آورد» (مظاهری، ۱۳۷۹: ۳۲۴).

باز دختر گفت ای پیر اسیر	همچو خورشیدِ سبک رو، فرد باش
سیم و زر باید مرا ای بی‌خبر	من گران کابینم و تو بس فقیر
چون نداری تو سر خود گیر و رو	نَفَقه‌ای بستان ز من ای پیر و رو
همچو خورشیدِ سبک رو، فرد باش	صبر کن مردانه وار و مرد باش

(عطار: ۱۳۸۹: ۲۹۴)

در حکایت شیخ صنعان، عشق الهی و مجازی در کنار هم قرار می‌گیرند و مکمل یکدیگرند و نوعی هم‌نشینی این دو عشق را داریم، ولی هنگامی که یکی از پرندگان در مقابل هدیه بهانه عاشقی می‌آورد و خود را بی‌تاب در مقابل عشق مجازی نشان می‌دهد، تقابل عشق حقیقی و مجازی نمود پیدا می‌کند. «از دیدگاه صوفیه صبر و مقاومت در برابر رغبت و گرایش نفس به غذا و تحمل رنج و درد گرسنگی موجب شکسته شدن قوای نفسانی و مادی عارف می‌شود. در این مقام روح با آزاد شدن از تنگنای عالم خاک و غلبه بر روابط علت و معلولی حاکم بر آن می‌تواند صدای خداوند را در درون و باطن خود بشنود و عالم غیب و ملکوت را مشاهده کند و به انجام بسیاری از کرامات و خوارق عادات مثل طیّ الارض و راه رفتن بر روی آب نائل شود» (خوشحال دستجردی، ۱۳۸۳: ۸۳).

دیگری گفتش که ای مرغ بلند	عشقِ دل‌بندی مرا کرده‌ست بند
عشقِ او آمد مرا در پیش کرد	عقلِ من بر بود و کار خویش کرد
شد خیال روی او رهن مرا	و آتشی زد در همه خرمن مرا

یک نفس بی او نمی‌یابم قرار      کفرم آید صبر کردن زان نگار...  
 من زمانی بی‌رخ آن ماه روی      چون توانم بود هرگز رازجوی  
 دردم از دارو و درمان درگذشت      کار من از کفر و ایمان درگذشت ...  
 من چو بی‌طاقت شدم در کار او      یک نفس نشکیم از دیدار او  
 (عطار: ۱۳۸۹: ۳۳۲)

و هدهد هادی شده، در حالی که به کمال جمال الهی اشاره می‌کند، مرغ دلداده را عاشق خلط و خون و در بند صورت مانده می‌خواند و با آوردن حکایاتی که در آنها صفت مرگ، از دست دادنی بودن و قابل انتقال بودن را برای معشوق مجازی بیان می‌کند، ارزش عشق حقیقی و صفات معشوق حقیقی را عنوان می‌کند. چون نای دور افتاده از اصل خویش این‌گونه نغمه سر می‌دهد و عدم شناخت از معشوق حقیقی را دلیل «صبوری» معرفی می‌کند:

از قدم تا فرق نعمت‌های اوست      عرضه ده بر خویش نعمت‌های دوست  
 تا بدانی کز که دور افتاده‌ای      در جدایی بس صبور افتاده‌ای  
 حق تو را پرورده در صد عز و ناز      تو ز نادانی به غیری مانده باز  
 (همان: ۳۳۴)

### ۲-۳- عشق «وَر» عاشق و رشته نجات معشوق

عطار درد عشق کشیده، با شیخ حکایت خود، همدردی می‌کند، این واقعه برای شیخ را خواست معشوق احد واحد می‌داند. شیخ در «تمام هستی‌اش» ناصبور می‌گردد و رشته مویی، «وَر» شیخ می‌گردد:

هیچ کافر در جهان ندهد رضا      آنچه کرد آن پیر اسلام از قضا  
 موی ترسایی نمودنش ز دور      شد ز عقل و دین و شیخی ناصبور  
 (همان: ۲۹۶)

در حقیقت عشق مجازی در حکم «وَر» است، برای انسان، این پل می‌تواند، حلقه پیوند با سرسلسله عشق باشد و یا سقوط و وقوف در عشق مجازی، همچنان که در حکایت شیخ صنعان، این رشته مو دستگیر شیخ و دختر ترسا می‌گردد. دختر تاب وصال ندارد، نیم جان خود را به جانان می‌بخشد و شیخ در ادامه راه باز هم رها از عشق مجازی به سیر الهی خود ادامه می‌دهد. شیخ، حلقه اتصال دختر ترسا و زنجیر عشق الهی می‌گردد. «عشق رکن اساسی تصوف است و تنها راه وصول به حق، معرفت بدون عشق معنی و مفهومی ندارد. عالم عشق دنیایی است که هر کس را یارای ورود بدان نیست. مردی پاک باز و کامل باید که توانایی و شایستگی پذیرفتن آن را داشته باشد و بتواند در این دریای پر خون غرق شود و هزاران جام زهر را با رویی گشاده در آشامد تا از وصل معشوق نشانی بیابد و آنگاه به هجرانش درگریزد، زیرا تاب قرب وصل جانانش نیست، شبنم را در برابر طوفان چه جای مقاومت است؟ و همچنین قطره را در برابر اقیانوس؟ و ذره را در مقابل خورشید؟» (شجیعی، ۱۳۶۳: ۲۲۶).

### ۲-۴- وادی طلب و صبر

در هفت شهر عشق، پیرما، سالک را به صبر دعوت می‌کند و خود نیز پاسخ می‌دهد که اهل درد را صبری نیست! در وادی طلب اولین شهر عشق، هر خار راهی ممکن است، سالک را از ادامه راه باز دارد، و در این وادی بیشترین تکرار واژه «صبر» را می‌بینیم. عطار، عاشق را در صبر به تن زدن و دم برنیوردن می‌خواند. عاشق باید خون خورد و مردانه صبوری پیشه کند تا

راه به جایی برسد، سالک حق چون طفل در شکم که دنیای بیرون برای او توهمی بیش نیست، باید خون خورد و در خون نشیند و صبوری پیشه کند، تا بالاخره درد، رهایی بخش او و نجات بخش او باشد:

در طلب صبوری بسبباید مرد را صبر خود کی باشد اهل درد را؟  
 صبر کن گر خواهی و گرنه بسی بو که جایی راه یابی از کسی  
 همچو آن طفلی که باشد در شکم هم چنان با خود نشین با خود به هم  
 از درون خود مشو بیرون دمی نانت اگر باید همی خور خون دمی  
 قوت آن طفل شکم خون است و بس وین همه سودا ز بیرون است بس  
 خون خور و در صبر بنشین مردوار تا برآید کار تو از درد کار  
 (عطار: ۱۳۸۹: ۳۸۴)

#### ۱-۴-۲- طالبِ عاشق و عاشقِ طالب

و باز هم در وادی طلب، طالبِ عاشق باید عاشقِ طالب باشد و گرم تر از همیشه و لاجرم باید صبور باشد تا از خون دل، مشک و در صدفِ درون، مرواریدِ عشق را بپروراند و مقامِ طالبِ صابر برای هرکسی میسر نمی شود:

طالبان را صبر می باید بسی طالب صابر نه افتد هرکسی  
 تا طلب در اندرون ناید پدید مشک، در نافه، ز خون ناید پدید  
 (همان: ۳۸۴)

از وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا و توحید، رهسپار وادی حیرت می شویم. در وادی حیرت نیز سالک عاشق دل از کف داده، باید صبر پیشه کند تا به مقام وصال دست یابد. در حکایت دختر پادشاه و غلام، عطارِ عاشق با قلم هنرمند خود و با رنگ عاشقی تصویر آفرینی می کند، از زیبایی دختر پادشاه و غلام می گوید تا دلیل آن همه بی خودی و دل سپردگی را بیان کرده باشد و خواننده را قانع و همراه کند. از صبر کتابی می سازد که آن را بارها دختر پادشاه خوانده است ولی باز هم بی صبر و درمانده است. «عشق والاترین و متعالی ترین مرحله تکامل انسان است و بشر بدون رسیدن به آن، در مرحله خور و خواب، تخته بند تن باقی خواهد ماند. اشتیاق شدید به زیبایی، انسان حساس و عاطفی را بر می انگیزد که برای رسیدن به نیکی و پاکی و ادراک خیر و جمال باطن، به حرکتی نفسانی در اعماق قلب و روح خود بپردازد. عشق عرفانی که حاصل سیر جان و روان آدمی از تمایلات مادی و عبور از خواسته های پست حیوانی است، با شناخت و معرفت حق همراه و نقطه اوج و اتصال بشر به جنبه الهی خود و اتحاد با مبدأ و منبع کمال مطلق است» (پرویزی، ۱۳۷۴: ۸۱)

صد کتاب صبر بر خود خوانده ام چون کنم؟ بی صبرم و درمانده ام  
 (عطار: ۱۳۸۹: ۴۰۹)

#### ۵-۲- رازِ ناله «ناصروری»

در حکایت گریستن مادر بر خاک دختر، مانند حکایت قبل عاشق نسبت به معشوق خود و محب در شناخت محبوب خود به معرفت رسیده است و رازِ ناله «ناصروری» هویدا است. ولی مرد راه حق هنوز گم کرده خود را نمی شناسد، پس چگونه برای «دوری» او فریاد دروغا سر دهد؟!



مادری بر خاکِ دختر می‌گریست      راه‌بینی سوی آن زن ب‌سنگریست  
گفت این زن بُرد از مردان سبق      زان که چون ما نیست و می‌داند به حق  
کز کدامین گم شده مانده‌ست دور      وز کس افتاده‌ست زین ناصبور  
(همان: ۴۱۱)

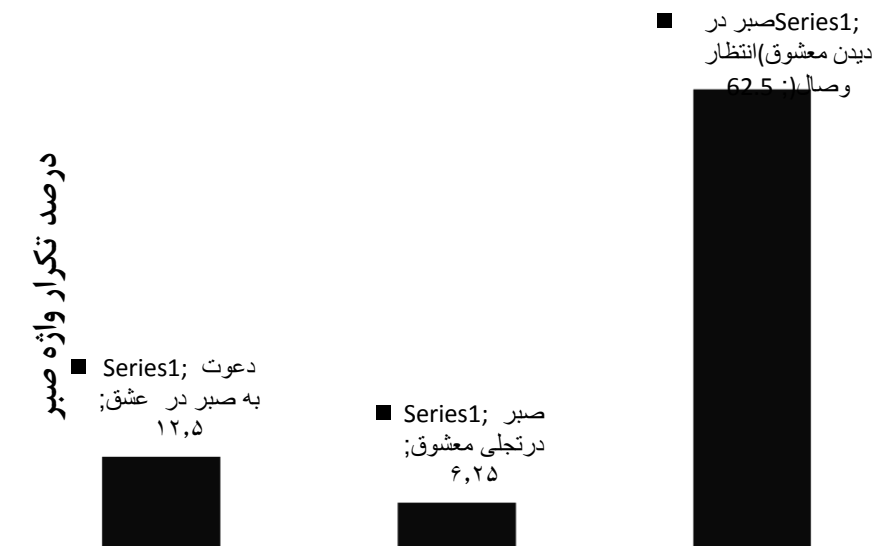
و در پایان پیر طریقت از حال خود این‌گونه می‌گوید:

نه ز همّت میل ممدوحی مرا      نه ز ظلمت خلوت روحی مرا  
نه دل کس نه دل خود نیز هم      نه سر نیک و سر بد نیز هم  
نه هوای لقمه سلطان مرا      نه قفای سیلی دربان مرا  
نه به تنهایی صبوری یک دم      نه به دل از خلق دوری یک دم  
هست احوال من زیر و زبر      همچنان کان پیر داد از خود خبر  
(همان: ۴۴۲)

موسوی بجنوردی، ذیل بحث جهان‌شناسی ابن عربی می‌گوید: همان‌طور که آغاز و صدور جهان بر مبنای حرکت حیّی است، رجوع و بازگشت آن نیز با حرکت عشقی در جست و جوی خداوند انجام می‌گیرد، چرا که همه عالم در جست و جوی مرکزی برای تعالی و در طلب دائمی برای مستقری همیشگی و همگانی است و چون این طلب، بی‌پایان است، در امداد الهی نیز تعطیلی نیست و آفرینش، همچنان تداوم دارد (آل رسول، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

#### ۶-۲- بسامد «صبر و عشق» در منطق الطیر

با بررسی اشعار مبتنی بر صبر و عشق در منطق الطیر عطار و طبقه‌بندی آنها در سه گروه «دعوت به صبر»، «صبر در تجلی معشوق» و «صبر در دیدن معشوق» و تعیین بسامد هر یک، شکل ۱ ترسیم گردید.  
نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که درصد تکرار «دعوت به صبر»، «صبر در تجلی معشوق» و «صبر در دیدن معشوق» (انتظار وصال) در منطق الطیر عطار به ترتیب ( ۱۲/۵ )، ( ۶/۲۵ ) و ( ۶۲/۵ ) درصد است. در اشعار عطار، صبر در انتظار وصال، بیشترین بسامد را در منطق الطیر دارد و کمترین بسامد مربوط به صبر در تجلی معشوق است. این بسامد در (شکل ۱) نشان داده می‌شود:



شکل (۱): بسامد واژه صبر و عشق در منطق الطیر عطار

### ۳- نتیجه گیری

آدمی بریده از عالمی بی‌کران از جمال، کمال، صفا و محبت است؛ وابسته به آن عالم و در غم آنجاست. این غم، عشق و صبوری را می‌طلبد تا گذر از این جهان را برای او آسان کند. عطار عشق را زنجیر و پیوندی برای رسیدن به کمال مطلق می‌داند و صبر نیرویی است تا سالک محنت‌ها و دردهای عشق را برای رسیدن به قاف معنا بر خود هموار کند. در منطق الطیر عطار، سی و دو بار کلمه صبر و ترکیبات آن به کار رفته است که عشق بیست و شش بار همراه صبر آورده شده است. در وادی طلب اولین شهر عشق، بیشترین تکرار واژه صبر را می‌بینیم. عطار عاشق را در صبر به تن زدن و دم برنیاوردن می‌خواند. از این بیست و شش تکرار، اکثر موارد به صبر در انتظار وصال معشوق تعلق دارد که تحمل آن برای عاشق یکی از سخت‌ترین مراتب صبر است، با توجه به اینکه معشوق حقیقی دست نیافتنی است، تکرار این نوع صبر در شعر عارف، قابل انتظار است و اغلب موارد عدم شناخت معشوق را دلیل بر تاب آوردن عاشق در درد دوری می‌داند. کمترین بسامد به صبر در تجلی معشوق اختصاص دارد. عطار مسافران سرگشته خود را ابتدا به تهذیب نفس فرا می‌خواند و به صورت مضمر، صبر نفس را (صبر فی الله) در درون ایشان پرورش می‌دهد و آن هنگام که هدهد هادی شده به سؤالات و شبهات پرندگان پاسخ می‌دهد در حقیقت بندهای صبر نفس را از پای ایشان می‌گشاید تا پرندگان بتوانند از زمین مادی جدا شوند و عشق الهی در وجودشان بیدار گردد و با آموزش صبر قلب و صبر روح ایشان را به سمت کوه قاف و درگاه سیمرغ اوج می‌دهد. آن که از تعلق نفس رهایی یافته است، سبکبال اوج می‌گیرد و با «صبرالله» و «صبر علی الله» متوجه عالم قدس می‌شود و می‌خواهد که حجاب بشریت از پیشش برداشته شود و به صبر عن الله و مع الله نائل می‌شود و در نهایت در وجود معشوق ازلی مستغرق می‌گردد. عطار درد عشق را در کائنات می‌بیند و از این درد مشترک برای نیل به عشق حقیقی مدد می‌گیرد عاشق باید آنچه را دارد از دست بدهد و هم‌رنگ معشوق گردد. هم‌چنان که وجود سایه وابسته به نور است، عاشق نیز با وجود معشوق موجودیت می‌یابد. اغلب در اشعار عطار عشق الهی و مجازی در کنار هم قرار می‌گیرند و بسیار کم تقابل این دو نوع عشق را در اشعار وی می‌بینیم. عشق مجازی در شعر عطار «وَر» عاشق است. عاشق باید از آن ور عبور کند؛ در شناخت معشوق خود به معرفت برسد و با «تمام هستی‌اش» ناله «ناصروری» سر دهد تا لایق درگاه یگانه پاک گردد.

پس نوشت:

۱. آزمایشی بوده است که در محاکم ایران قدیم از دو طرف دعوی می‌کرده‌اند تا راستگویی یکی معلوم شود و هر کسی موفق می‌شد او را محق می‌دانستند. از جمله این آزمایش‌ها نشانیدن آب آمیخته به گوگرد و گذشتن از میان آتش بود. (فرهنگ فارسی معین)

### منابع

۱. آل رسول، سوسن، (۱۳۸۵)، «عشق در عرفان اسلامی از دیدگاه جامی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، صص ۱۷۶-۱۵۷.
۲. پرویزی، فرنگیس، (۱۳۷۴)، «تجلی عشق در غزلیات عطار»، *فرهنگ*، شماره ۱۶، صص ۸۱-۹۱.
۳. پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۴)، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی* (تحلیلی از داستان‌های رمزی در ادب فارسی)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. پوری‌اور چوبر، محمد؛ نظری چورده، احمد رضا، (۱۳۹۷)، «جلوه‌های عشق در منطق الطیر عطار نیشابوری»، *کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات*.
۵. خوشحال دستجردی، طاهره، (۱۳۸۲)، «بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۳۳-۳۲، صص ۷۳-۱۰۲.
۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، «نقش صبر در تکامل روحی انسان از دیدگاه عرفا»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، سال دوم، شماره ۲، صص ۶۳-۸۶.
۷. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۳)، *شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب* (شامل بحث در فنون شاعری، سبک و نقد شعر فارسی)، تهران: انتشارات جاویدان.
۸. سجادی، سید جعفر، (۱۳۸۳)، *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: طهوری.
۹. شجیعی، پوران، (۱۳۶۳)، *مسافر سرگشته*، تهران: نشر هنر.
۱۰. صارمی، سهیلا، (۱۳۸۹)، *مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. طهماسبی، فریدون؛ حسینی موخر، سیدمحمد؛ جبارپور، حسین، (۱۳۹۷)، «انواع و مراتب صبر در متون منثور عرفانی»، *فصلنامه علمی عرفان اسلامی*، دوره ۱۵، شماره ۵۷، صفحه ۳۲۹-۳۵۱.
۱۲. عزالدین کاشانی، محمود بن علی، (۱۳۸۸)، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تصحیح علامه جلال الدین همایی، تهران: نشر هما.
۱۳. عطار نیشابوری، فریدالدین محمدبن ابراهیم، (۱۳۸۹)، *گزیده منطق الطیر*، گزینش و گزارش رضا اشرف زاده، تهران: به نشر.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، *منطق الطیر*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات شفیع کدکنی، تهران: سخن.
۱۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، *اسرار نامه*، منطق الطیر، مقدمه، تصحیح و تعلیقات شفیع کدکنی، تهران: سخن.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، *دیوان*، شرح و احوال عطار استاد بدیع الزمان فروزان فر، تنظیم و نمونه خوانی و نظارت جهانگیر منصور، تهران: نگاه.
۱۷. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن، (۱۳۹۱)، *رسالة قشیریه*، مترجم ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات مهدی محبتی، تهران: چاپ معاصر.
۱۸. گوهرین، سید صادق، (۱۳۸۲)، *شرح اصطلاحات تصوف*، تهران: زوار.
۱۹. مختاری، محمد، (۱۳۷۷)، *هفتاد سال عاشقانه: تحلیلی از ذهنیت غنایی معاصر و گزینه ۲۰۰ شاعر ۱۳۰۰-۱۳۷۰*، تهران: تیراژه.

۲۰. مظاهری، عبدالرضا، (۱۳۷۹)، «رابطه عشق و دردمندی با دعا»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۴، شماره ۱۵۶، صص ۳۲۳-۳۳۶.

## References

1. Al-Rasool, Susan. Love in Islamic Mysticism from Jami's Perspective, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, pp. 157-176.
2. Attar Neishabouri, F. (2009/1388 SH). *Manteq ul tayr*, With Introduction, Correction and Extensions by Shafiee Kadkani, M. Tehran: Sokhan.
3. Attar Neishabouri, F. (2013/1392 SH). *Asrar Nameh*, With Introduction, Correction and Extensions by Shafiee Kadkani, M. Tehran: Sokhan.
4. Attar Neishabouri, F. (2010). Selected of Manteq ul tayr, Selection and Report by Reza Ashrafzadeh, Behnashr Publications
5. Attar Neishabouri, F. (2011) Divan, biography of Attar by Badi-ol-Zaman Forouzanfar, edited and sampled by Jahangir Mansour, Negah Publications
6. Goharin, S. (2003). Explanation of Sufism terms, Zavar Publications
7. Hadi, E. Mahyar, A. (2012). The Role of Patience in Human Spiritual Development from the Perspective of Mystics, Journal of Persian Language and Literature, No. 12, pp. 249-275.
8. Izz al-Din Kashani, M. (2009). Mesbah Al-hedayeh and Meftah Al Kefayeh, Edited by Allama Jalaluddin Homayi. Homa Publication.
9. Khoshhal Dastjerdi, T. (2003). Reflection of the Quranic Concept of Patience in the Works of Attar Neyshabouri, Scientific-Research Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, pp. 73-102.
10. Khoshhal Dastjerdi, T. (2004) The Role of Patience in Human Spiritual Development from the Perspective of Mystics, Journal of Persian Language and Literature, Sistan and Baluchestan University, Second Year, pp. 63-86.
11. Mazaheri, A. (2000). The Relationship between Love and Pain with Prayer, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, pp. 323-336.
12. Mokhtari, M. (1998). Seventy Years of Romance: An Analysis of Contemporary Lyrical Mindset and the Choice of 200 Poets 1300-1370, Tirajeh Publication.
13. Parvizi, Farangis (1995). Manifestation of love in Attar's lyric poem, Farhang, pp. 81-91
14. Pournamdarian, T. (1985/1364 SH). Mysteries and Mysterious Stories in Persian Literature (An Analysis of Mystical Stories), Scientific and Cultural Publications
15. Qoshayri, A. (2012). Resaleyeh Ghashiriyeh, translated by -Abu Ali Hassan bin Ahmad Osmani, introduction, correction and comments by M. Mohabbat, Moaser Publication.
16. Sajjadi, J. (2004). Dictionary of Mystical Terms and Interpretations, Tahoori Publications
17. Saremi, S. (2010). Mystical terms and highlight concepts in Attar language, Institute of Humanities and Cultural Studies.
18. Shajiei, P. (1984). The traveling Traveler. Art Publishing
19. Tahmasbi, F. Hosseini Moakher, M. Jabbarpour, H. (2018). Types and Levels of Patience in Mystical Prose Texts, Islamic Mysticism, Types and Levels of Patience in Mystical Prose Texts, Volume 15, Number 57, Pages 329-351
20. Zarrinkoob, A. (1984). Poetry without lies unmasked poetry (including discussion on poetic techniques, style and critique of Persian poetry). Javidan Publishing Organization.

### نحوه ارجاع به مقاله:

عزیزی، عاطفه؛ فخر اسلام، بتول (۱۴۰۰). بررسی «صبر و عشق» در منطق الطیر عطار. مطالعات زبان و ادبیات غنایی. ۱۱ (۳۸)، ۸-۱۹،

Dor: 20.1001.1.27170896.1400.11.38.7.9

### Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

